

ارتباطات و توسعه

ارتباطات و توسعه از جمله مباحث جدید در حوزه ارتباطات، جامعه‌شناسی و فرهنگ است. توجه به این مبحث اگر چه سابقه‌ای طولانی دارد اما در شرایط فعلی به این اعتبار توجه به این موضوع بیشتر شده که تغییرات اجتماعی و فرهنگی و نقش رسانه‌ها در این زمینه اهمیت بیشتری پیدا کرده است

- به نسبت اعتباری که این نقش پیدا کرده، ما شاهد شکل گیری نظریات و انجام تحقیقات متفاوتی در کشورهای گوناگون چه در جهان پیشرفته و صنعتی و چه در جهان در حال توسعه هستیم.

- زمانی با این تغییر بسیار خوش بینانه برخورد می شد، یعنی رسانه ها را توانای مطلق در انجام دگرگونی ها در جامعه می دانستند. به مرور زمان نگاه های انتقادی نسبت به نقش رسانه ها در جوامع گوناگون شکل گرفت، از قبیل اینکه آیا رسانه ها واقعا اطلاعات را افزایش می دهند یا افزایش اطلاعات متناسب با زمینه های فرهنگی یا تغییرات مثبت جامعه است یا نه؟ وبالاخره امروز در دورانی به سر می بریم که نظریات بیشتر مبتنی بر نحوه کاربرد رسانه ها و در واقع فناوری های نوین ارتباطات و اطلاعات است.

- بنابراین ما می توانیم سه نسل از نظریه های ارتباطات و توسعه را از هم تفکیک کنیم. نسل اول نظریات خوش بینانه است که نوسازی را در جوامع مختلف کاملاً متاثر از رسانه ها می دانند و برای رسانه ها نقش مثبتی قائل هستند.

- نسل دوم نظریات انتقادی هستند و مسائلی از این قبیل را مطرح می کنند که جامعه تحت تاثیر رسانه ها دچار انفعال و مصرف گرایی و تاثیر پذیری انفعالی نسبت به فرهنگ های مسلط می شود و رسانه از نقش آگاه سازی خود دور می شود، یا حتی در سطوح جدیدترش رسانه هانه ها با انبوه اطلاعات و اخباری که می دهند، باعث می شوند که مخاطبان و کاربران دچار سردرگمی در انتخاب شوند. این دسته از نظریات را می توان بعنوان نظریات انتقادی یا طیفی از نظریات بدبینانه به حساب آورد.

- نظریات نسل سوم مبتنی بر طرح مباحث جدید است مثل جامعه اطلاعاتی، جامعه شبکه ای، فضای مجازی وب و شتاب و سرعتی که تحولات اجتماعی تحت تاثیر رسانه ها به خود می گیرند.

# ارتباطات و توسعه

اگر ارتباطات را به عنوان روند تبادل مفاهیم از طریق علائم گفتاری و غیرگفتاری در نظر بگیریم، ناگزیر می‌شویم سطح انتظار را از ارتباطات توسعه فراتر از ابزارها و اجزای ارتباطی ببینیم. به عبارت دیگر نمی‌توانیم در فرآیندهای ارتباطی محصور در شکل و شاخص‌های کمی بمانیم. ارتباطات در وهله نخست مفهومی کیفی است در برابر خاموشی یا پارازیت.

مضمون ارتباطات توسعه وجود ارتباطات مستقل از قدرت و متکی بر گفت و گو میان جامعه مدنی و دولت است.



- در چنین صورتی از ارتباط، «عقلانیت ارتباطی» به جای «عقلانیت ابزاری» می‌نشیند (تهرانیان، 1994، ص 6) و این مرحله‌ی از ارتباط است که فقدان یا ضعف آن بیش از هر مشکل و صورت بندی ارتباطی موجب اختلال در روند توسعه می‌شود. در واقع ارتباطات و توسعه مفاهیمی هستند که به رغم موضوعیت فراوان در قلمروهای مختلف علمی هنوز در درون مرزهای مشخص و دقیق راهبردی قرار نگرفته‌اند

- تو در تویی و تداخل شبکه های گوناگون ارتباطی در موقعیت کنونی جامعه ایرانی ایجاب می کند مقوله «ارتباط» فراتر از سازمان و سخت افزار آن دیده شود. به عبارتی دیگر به نظر می رسد مساله امروز ارتباطات در ایران با محدود قرار دادن «رسانه» قابل فهم نیست. نقش رسانه های کنونی و از جمله مطبوعات را بیشتر باید در چارچوب وسیع تر ارتباطات انسانی فهمید.

- در حوزه های نوین مطالعاتی ارتباطات توسعه نمی توان شبکه های ارتباطی سازمانی در روابط میان فردی از جمله پیوندهای مهم و حیاتی مخاطبان را در شبکه های اجتماعی و سنتی نادیده گرفت. ارتباط، رابطه انسانی را از حالت جوهر به مرحله وجود از لحاظ بالقوه به حالت فعل درمی آورد و به آن «واقعیت اجتماعی» می دهد. رابطه انسانی بدون ارتباط مانند عکس یا تصویری است که هنوز ظاهر نشده است و لذا مشخصات و حدود آن به وضوح خود را نشان نداده اند.

- این مفاهیم را شاید با مقوله های مخالف بهتر بتوان دریافت؛ خلاف مقوله «ارتباط»، مقوله «خاموشی» یا «پارازیت» است، همان گونه که «زوال» مفهومی مخالف توسعه است. «سکوت» مفهومی است که هم صورت ارتباطی و هم صورت غیرارتباطی دارد. زمانی که عملاً هیچ نوع تماسی بیان دو فرد، دو گروه اجتماعی یا دو فرهنگ وجود ندارد، سکوت پدیده بی غیرارتباطی و بی معنا است، اما در زمان ها و موقعیت های خاص، «سکوت» گونه بی از تلاش آگاهانه برای رساندن تایید یا عدم تایید و حتی نادیده گرفتن پیام ها به کار می رود، در این صورت «شکست» فرآیندی ارتباطی و با معنا تلقی می شود.

- این فرآیندی است که گفته می‌شود به لحاظ فرهنگی و تاریخی در میان ایرانیان سابقه بی‌کهن دارد. ایرانیان در واکنش به محیط مخاطره‌آمیز سیاسی و فرهنگی که در طول تاریخ داشته‌اند، آموخته‌اند در شرایط خاص نظر خویش را پنهان دارند، نه آنکه آن را آشکار سازند. «سکوت» در جامعه ایرانی بازخورد ارتباطی معناداری است که نمی‌تواند از حوزه تحقیق و مطالعه علمی در بافت و ساخت ارتباطات امروز ایران حذف شود.

- میان برخی از این موانع ارتباطی که به «بی ارتباطی» یا «بد ارتباطی» می انجامد و «زوال» در مفهوم توسعه بی نسبت مستقیمی وجود دارد. «زوال» تنزل ظرفیت هر نظامی در برآوردن نیازهای مفروض آن است. همان گونه که زوال اقتصادی نشانه بی از تنزل ظرفیت اقتصادی است، زوال اجتماعی و سیاسی نیز حاکی از تنزل ظرفیت نظام ملی در پاسخگویی به نیازهای مفروض شهروندان آن جامعه است. فقدان رابطه متعادل میان «توقعات فزاینده» و «امکانات» که موجب کاهش رضایت و اعتماد عمومی می شود، گاه ممکن است به «سرخوردگی های فزاینده» خشونت و سرکوب و انفعال سیاسی بینجامد.

- هر یک از این مظاهر و مصادیق زوال اجتماعی و سیاسی در زمانی بروز و ظهور می یابند که سطح «تحرک سیاسی» از سطح نهادهای «مشارکت سیاسی» فراتر رفته باشد. در چنین موقعیتی «زوال سیاسی» به عنوان مظهر شکست نظام سیاسی در هدایت توقعات عمومی به سوی ارتباطات سیاسی و در نهایت ایجاد «وفاق جمعی» تعریف می شود. آنچه می تواند روند تنزل نظام سیاسی را در تنظیم میان «توقعات فزاینده» و «منابع ملی» کاند کند یا حتی متوقف سازد، به لحاظ تجربه جهان جدید، تقویت بنیان های دموکراسی است .

- . دموکراسی توان آن را دارد که به طور اساسی چگونگی دستیابی به خواسته های ملی و در نتیجه انسجام بیشتر در ارتباطات عمومی را برجسته سازد و از اختلال ها و پارازیت های ارتباطی به نحو بارزی بکاهد. از این رو ارتباطات، توسعه و دموکراسی ارائه کننده نظریه ها و روش های عملی هستند که عمدتاً با یکدیگر پیوند دارند. نسبت میان مطبوعات و ارتباطات نسبت میان جزء و کل است و بنا به آنچه گفته شد مساله پیش روی ما بحران ارتباطی است که به اعتبار «ارتباطات توسعه» اکنون در عرصه مطبوعات ایران به وجود آمده است.



# کاهش اعتماد

- اعتماد هم در وجه اجتماعي (اعتماد شهروندان به یکدیگر) و هم در وجه سياسي (اعتماد شهروندان به دستگاه سياسي و اداري کشور) در زمره مهم ترین بخش های سرمایه اجتماعي است که بر موقعیت رسانه ها و از جمله مطبوعات در جامعه اثر می گذارد. رسانه وقتي رسانه است که از اصل «اعتبار منبع» تبعیت کند و در صورت فقر یا ضعف اعتماد اجتماعي و اعتماد سياسي، رسانه نمی تواند برخوردار از این اصل باشد و حتی توسعه کمی آن به توزیع بیشتر بی اعتمادی می انجامد.

- شکست رسانه های بزرگ و فراگیر از رسانه های کوچک در موقعیت خاص عمدتاً ناشی از بروز این عارضه است. اعتماد جزء اولین شاخص هایی است که در سنجش میزان سرمایه اجتماعی در دو مرحله از طرح ملی پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان به کار گرفته شده است.

- نتایج این دو تحقیق گویای روند نزولی این شاخص در کشور است. برخی از یافته های مهم این طرح نشان می دهد. (کاظمی پور، 1383، صص 58-74) اعتماد اجتماعی (مابین افراد) در سال 1382 به حدود 10 درصد رسیده است. میزان اعتماد سیاسی نیز در این مدت با کاهش روبه رو بوده است. افراد دارای اعتماد زیاد نسبت به مدیران و کارگزاران دولتی در سال 1382 کمتر از 30 درصد جامعه و افراد بی اعتماد به آنان حدود 30 درصد از جامعه را تشکیل می دهند.

- تعداد افرادی که معتقدند حکومت به نظر شهروندان احترام می‌گذارد از حدود 50 درصد در سال 1379 به 40 درصد در سال 1382 رسیده است.  
در سال 1379 نیمی از جامعه اعتقاد داشت حکومت همه را به یک چشم نگاه می‌کند، اما این میزان در سال 1382 تا کمتر از 22 درصد کاهش یافته است.

- روندهای مشاهده شده در این پژوهش ملی حکایت از آن دارند که وضعیت جامعه متناظر با سطوح پایینی از هر دو گونه اعتماد اجتماعی و سیاسی است. در چنین وضعیتی است که چرخه ارتباطی به خصوص در فرآیند رسانه‌یی، به صورتی مختلف درمی آید. **از یک سو سرشت جامعه به گونه‌یی رسانه‌یی شده است و از سوی دیگر فهم مشترک و واقع‌بینانه‌یی از رویدادها و مسائل پیش روی کشور کمتر وجود دارد.**

- در این موقعیت، ارتباطات خصلت گفت و گویی خود را از دست می دهد و پیام هایی که از سوی پیام گیران دریافت می شود، عمدتاً با آنچه از سوی پیام فرستان ارسال می شود متفاوت اند. **تصویر ذهنی مخاطبانی که در بی اعتمادی عمومی و رضایتمندی اندک به سر می برند از هر آنچه با آن مواجه هستند، تیره و تار است.** «رسانه بی شدن فضای عمومی» این وضعیت را تشدید می کند.

- «سرشت رسانه يي شده فضاي عمومي» از جمله نظريه هايي است که مي تواند فاصله ميان رضائت از وضع فردي و تصوير از وضع عمومي و عام اجتماعي را تا حدودي تبیین کند. در واقع جامعه جديد از جامعه پيشين با نحوه استفاده از رسانه ها متمايز مي شود و **نقش مهم رسانه ها نیز گشودن فضاي تعميم يافته اجتماعي است** که از قلمرو فضاي ملموس فردي فاصله گرفته است.

- این تحول پیش از آنکه به نقش رسانه ها مربوط باشد به گسترش فضاي شهري شده، و شکل گيري پديده انبوه جمعيت گسسته از تعلقات سنتي ارتباط دارد که تصور خود را از فضاي تعميم يافته از شبکه ارتباطات جمعي کسب نمي کند. رسانه ها در اين خلأ امکان تازه يي براي تصور از فضاي عمومي اند.



• در این موقعیت اگرچه رسانه ها دست اندرکار نقل و انتقال پیام های متعدد هستند، اما آنچه در لایه های پنهان ذهن مخاطبان می گذرد اهمیت بیشتری می یابد.

- میشل دوسرتو فیلسوف معاصر فرانسوی یکی از مهم ترین نقاط عزیمت فکری خود را در نقدي بر دوست و همکار خود میشل فوکو بنا نهاده است. او با این نظریه فوکو که **قدرت خود را در لایه ها و ساختارهای مختلف اجتماعی بازتولید می کند، مخالف است** و با نقد نگاه از بالا به پایین فوکو تلاش می کند امور را از منظری پایینی نظاره و توصیف کند.

- **در نگاه از پایین به بالای میشل دوسرتو این عموم شهروندان یک شهر هستند که با نگاه خود ساختارهای قدرت را تعریف می کنند** و به آن شکل می دهند. دوسرتو در عرصه بازار و ساختارهای شهر به جای توجه به ساختارهای کلان اقتصادی یا برنامه ریزی های کلان شهری توجه خود را به عابران پیاده معطوف می دارد و نقش آنان را در طراحی نهایی مهم و اساسی ارزیابی می کند. عابران پیاده با نگاه و رفتار خود به یک ساختار یا طرح **فقط مشروعیت نمی بخشند، بلکه:**

- آنها اصل ساختار یا طرح را درمی اندازند و تعریف می کنند. از این منظر حتی سوژه در حال شکنجه یا تادیب فوکویی برای خود «زمان- مکان» مستقل برای مقاومت و تعیین استراتژی های خاص دارد که در نظریه فوکویی لحاظ نشده است.

- از نظر دوسرتو سوژه، فرصت ها و آزادي هاي فراواني براي کنش دارد و اين مجال محدود به بقا و حتي مقاومت سلبي نمي شود و جايي براي تبیین و تمرین «استراتژي ها و تاکتيک هاي محض» است.

- دوسرتو در اثر مشهور خود «تمرین زندگی روزمره» به تاکتیک های بومیان کشورهای امریکای لاتین برای مقاومت در برابر اسپانیایی ها می پردازد. آنها روش زندگی و حتی ایدئولوژی دیکته شده جدید را پذیرفتند و بهتر از نسخه اولیه به تئوریزه کردن آن پرداختند، **اما در عمل به گونه بی رفتار کردند که به شکست استعمار اسپانیایی انجامیده بود.** باید پرسید آیا نگاهی از این جنس عابران پیاده در برابر مطبوعات و رسانه های دیگر در جامعه ما بروز نکرده است؟

# ارتباطات در دهکده جهانی

- به رغم این که حوزه ارتباطات یکی از فعال ترین حوزه های علوم اجتماعی در سراسر جهان است، در ایران جز یکی از فقیرترین رشته های علوم اجتماعی محسوب می شود. اگر چه به همت کارشناسان و استادان رشته ارتباطات، این رشته تا مقطع دکترا دانشجو می پذیرد ولیکن با توجه به ارتقای جایگاه علمی این رشته در دانشگاه ها نمی توان نسبت به شکافی که در عرصه تولید و انتشار کتب و منابع آن به چشم می خورد اغماض کرد.



- کارشناسان علوم ارتباطات اذعان دارند که ارتباطات را باید در بافت مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی حاکم بر جامعه بررسی و مطالعه کرد. توجه به این مهم، ضرورت تولید کتاب را در عرصه ارتباطات بیشتر می‌کند همه ما نیک می‌دانیم که تالیف و ترجمه، عقاید، ذهنیات و باورهای دیگران را در بردارد **و تنها با تصنیف است که یک نویسنده می‌تواند افکار و اندیشه‌های خود را در باب مسایل روز و در بستر جامعه و متاثر از مناسبات جامعه‌اش مطرح کند.**

- اگر بخواهیم در عرصه ترجمه سری به کتاب‌های منتشر شده در این حوزه بزنیم درمی‌یابیم که متأسفانه در این زمینه هم، «ارتباطات» با فقر شدیدی روبه روست چرا که با توجه به روند روبه رشدی که این رشته در جهان امروزی دارد و با توجه به پیوندی که این رشته می‌تواند با همه عرصه‌های علوم اجتماعی و انسانی داشته باشد، نفس‌های به شماره افتاده این کودک تازه به راه افتاده در حوزه ترجمه هم قابل تأمل و تأسف است.

- با مروري بر آثار ترجمه شده در اين رشته در مي يابيم كه بيشتر اين آثار توسط افراد غير متخصص در اين حوزه ترجمه شده است. نداشتن تخصص كافي در اين رشته موجب مي شود تا خواننده با متني غير تخصصي و پر دست انداز روبه رو شود و اي بسا كه در بسياري از موارد حتي تا نيمه راه نيز با مترجم همراه نمي شود.

- دکتر سید محمد مهدی زاده یکی از کارشناسان و استادان رشته علوم ارتباطات خالهای موجود در قلمرو منابع و کتب ارتباطات را در محورهای زیر مورد بررسی قرار می‌دهد:  
**1- مطالعات ارتباطی و فرهنگی:** کتاب‌های منتشر شده که در حوزه مبانی متاثر از رویکرد «انتقالی» و نشأت‌گرفته از علوم روانشناسی و جامعه‌شناسی است، باید با انتشار کتاب‌هایی با عناوین مطالعات ارتباطی و فرهنگی و با رویکرد به قول جیم کری «آئینی» که متاثر از مطالعات فرهنگی، زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی است تکمیل شود.

- **2- نظریه‌های نوین ارتباطات؛** تحت‌تاثیر نحله‌های فکری جدید چون پسامدرنیسم، مطالعات فرهنگی، مطالعات پسااستعماری و...، نظریه‌های جدیدی در عرصه ارتباطات حتی نظریه‌های آسیایی و نظریه‌هایی که به نوعی غرب‌زدایی از دانش ارتباطات است، مطرح شده اما جای آن‌ها در منابع فارسی خالی است و لزوم تألیف و ترجمه کتاب‌هایی که پرکننده شکاف‌ها و خلاهای موجود در این زمینه باشد احساس می‌شود.

- **3- دانش ارتباطات؛** منابع و کتاب‌های مربوط به حوزه دانش ارتباطات، چون ارتباطات بین‌الملل، ارتباطات سیاسی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در ارتباطات، ارتباطات و توسعه، رسانه‌ها و زندگی روزمره و... اصلاً به چشم نمی‌خورد، یا بسیار بسیار کم است.

- **4- مطالعات انتقادي در ارتباطات:** تحت تاثیر نظريه‌ها و مکاتب انتقادي چون مطالعات فرهنگي، مطالعات پسااستعماري، پساامدرنيسم، فمينيسم و... نظريه‌هاي نوين انتقادي در ارتباطات اهميتي درخور يافته است؛ نظريه‌هايي که جايگاه و آثار اجتماعي و فرهنگي رسانه‌ها در جهان جديد را مورد نقد و چالش قرار مي‌دهد. جاي منابع فارسي از اين دست نیز در کشور ما خالي است.

- **5- روش‌های جدید پژوهش در ارتباطات؛** جای کتاب‌های مربوط به روش‌های جدید پژوهش در ارتباطات چون تحلیل محتوای کیفی، تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل نشانه‌شناختی و... در زبان فارسی خالی است، در حالی که این روش‌های پژوهشی حجم زیادی از منابع را در زبان انگلیسی به خود اختصاص داده و پژوهش‌های زیادی با این روش‌ها در دنیا صورت گرفته است.



- **6- فناوری‌های نوین ارتباطی؛** از جمله پیامدهای ظهور و گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی، ظهور جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای است که در مغرب‌زمین دارای ادبیات گسترده و فراوانی است؛ فناوری‌هایی که لاجرم دارای آثار و پیامدهای گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. اما منابع فارسی موجود در این زمینه کافی و وافی به مقصود نیست و جای کار بسیار دارد.

- همان‌طور که می‌دانیم تولیدات علمی این عرصه را معمولاً مراکزی نظیر **سمت؛ مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها؛ مرکز مطالعات، تحقیقات و سنجش برنامه‌های صداوسیما و انتشارات سروش؛ انتشارات موسسه ایران؛ موسسه اطلاعات؛ انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی و...** به دست مخاطبان می‌رسانند ولیکن با توجه به این که سلسله کتاب‌های رشته علوم ارتباطات در زمره کتاب‌های آموزشی و تخصصی علوم انسانی است و این مسوولیت به دوش سمت گذاشته شده، امید است سمت به عنوان یکی از سازمان‌های حامی صنعت نشر و مولد در انتشار کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی دانشگاهی، قدمی شایسته و بایسته در این راه بردارد.

# ظهور جامعه اطلاعاتي

- با ظهور جامعه اطلاعاتي ، مباحث ارتباطات و توسعه به اوج خود رسیده است و در مورد آن نیز برخي صاحب نظران با دیدي خوش بینانه می نگرند و برخي نیز با دیدي انتقادي، آثار و نتایج حاصل از جهانی شدن فرهنگها و کالايي شدن اطلاعات و دانشها و نقش رسانهها و ارتباطات در انتشار و ترویج این اطلاعات را مورد بررسی قرار می دهند.

## مروری بر سیر تحول مفهوم توسعه

- اصطلاح توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است. معنای لغوی توسعه، خروج از لغات (envelope) است. در قالب نظریه نوسازی لغات، همان جامعه سنتی و ارزش‌های مربوط به آن است. جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند.

- در یکصد و چهل تحقیق، صورت گرفته در تحلیل فیروشاه در سال 1997 این نکته مشخص شد که تنها يك سوم این آثار تلاش کرده بودند تا به توسعه از جنبه مفهومی بپردازند. این در حالی است که در قبال تعریف‌ها نیز برداشت‌های متفاوتی شکل می‌گیرد. اما در عین حال اگرچه این پژوهشها اکثراً بر این نکته توافق دارند که **توسعه یعنی ارتقای شرایط زندگی؛** اما بحث عمده در اینجا صورت می‌گیرد که چه چیزهایی جزء شرایط زندگی هستند و باید تأمین شوند.

- «مایکل تودارو» معتقد است که توسعه را باید جریان چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. (تودارو: 1366، 135)

- در برخي از تعاريف، به ابعاد رفاهي و فقر زدائي توسعه توجه شده است. به طوري كه «گونار ميردال» معتقد است كه توسعه يعني دور شدن از «توسعه نيافتگي» و رهايي از چنگال فقر و در موارد دي هم توسعه به عنوان نوعي حركت تاريخي و **گذار از يك مرحله تاريخي به مرحله اي ديگر تعريف شده است، يعني:** همان مرگ تدريجي نظام كهن و تولد و رشد تدريجي نظام تازه از زندگي (عظيمي، 1371):

• روستو اقتصاددان امريكايي، **توليد ناخالص ملي را به**

**عنوان معياري براي سنجش رشد و توسعه كشورها**

مطرح كرد و ادعا كرد كه اگر ملل جهان سوم خواسته‌هاي خود را براي كالاهاي مصرفي افزايش دهند و به طور كلي براي كسب درآمد بيشتر برانگيخته شوند، به توسعه دست خواهند يافت و در اين ميان وسايل ارتباط جمعي مي‌توانند با تبليغات در بالا بردن تقاضاي مصرف موثر باشند.

(محسنيان راد، 1374: 39)



- اما اکنون مفهوم توسعه در نظر بیشتر محققان همه جنبه‌های زندگی بشری را در بر می‌گیرد. مجید تهرانیان معتقد است که تعریف توسعه باید از نیازهای انسانی آغاز شود که صرف نظر از پوشاک، خوراک و مسکن به مسایل زندگی معنوی انسان نیز می‌پردازد. **جریان توسعه مستلزم افزایش تولید است ولی این شرط لازم و کافی نیست.**

- در نهایت امر شکل استفاده از این ظرفیت تولیدی است که سطح و محتوای پیشرفت معنوی هر کشور را تعیین می‌کند و این شکل تابعی از نظام ارزشی هر جامعه است  
(تهرانیان: 13)

## سیر تحول نظریه های ارتباطات و توسعه

- تمدن چیزی نسبی است که حد و مرزی ندارد، پیشرفتی است تدریجی از سطح ابتدایی به درجات بالا. تمدن فرآیندی را توصیف می‌کند که در آن روابط بشری در جهت بهتر گشتن به تدریج تغییر می‌کند و شکل و شمایل معینی را به خود می‌گیرد. تمدن به معنی ملتی است، متشکل در برابر حالتی از انزوای بدوی و بی‌قانونی (پهلوان: 1379)

- تمدن بسان يك اقيانوس است كه نهادهاي گوناگون، ادبيات، تجارت، صنعت، جنگ، قانون و حكومت رودهائي هستند كه در آن مي ريزند و آنرا تغذيه مي كنند.
- تمدن همانند يك انبار است كه همه چيز وارد آن مي شود (لوازم روزانه، سرمايه، نيروي انساني و ...)

• فوکوستاوا یوکیچی از اندیشمندان بلندآوازه ژاپن در قرن 19 میلادی، در تعریف تمدن می‌گوید:  
تمدن هم به دسترسی به رفاه مادی و اعتلای روح بشری اشاره دارد و هم به فراوانی نیازمندیهای روزانه بشری و احترام گذاشتن به پالایش بشری.

- بنابراین، همانطور که می‌بینیم بین مفهوم تمدن و توسعه پیوستگی و ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. به عبارتی ملتی که صاحب تمدن است به راحتی می‌تواند پله‌های رشد و توسعه را طی کند. به عبارتی پایه توسعه و رشد وجود تمدنی است که دسترسی به رفاه مادی و اعتلای روح بشری را تضمین کند.

- **اندیشه توان بخشی**، عمدتاً در ادبیات دهه ۹۰ در ارتباطات و توسعه مورد تأکید قرار گرفت، اما در عین حال، هنوز از نظر اصطلاحات، نمونه‌ها و سطوح تحلیل و نتایج، چندان قوام نگرفته است.

• از دیگر سو، نمی‌توان بی‌آنکه به درک  
درستی از مفهوم توان و قدرت رسید،  
به تعریف توان بخشی دست یافت.  
مفهوم توان بخشی با مفاهیم قدرت و  
کنترل در تئوری و علل توسعه رابطه  
دارد.



- تئوری و علل ارتباطات توسعه، بیانگر آمیزه‌ای از دیدگاهها در قبال ارتباطات، توسعه و توان بخشی است. پژوهشگران و دست اندرکاران عرصه ارتباطات و توسعه، هنوز می‌خواهند بین دو جریان تمایز وجود داشته باشد: **عده‌ای که ارتباطات را يك نظام سازمانی برای تحول می‌دانند و عده‌ای که ارتباطات را غیرقابل تفکیك از فرهنگ و تغییرات اجتماعی می‌دانند.**

- **رویکرد مبتنی بر نظریه تزریقی** هم می گوید:  
ارتباط گران و پیام آفرینان ارتباط جمعی، نقش به مراتب قدرتمندتری از مخاطبان داشته و قادرند با تولید و انتشار پیام از طریق رسانه های جمعی، تغییرات مورد نظر را در مخاطبان و پیامگیران ایجاد کنند.  
توجه به آثار ارتباط، به ویژه از سال ۹۵ به بعد، به سبب اهمیت یافتن امر توسعه در کشورهای جهان سوم افزایش یافت.

- از آن پس، چون از نظر کارشناسان غربی، اساس توسعه اقتصادی در رشد سریع تولید شناخته می شد، به عقیده آنان چنین رشدی ایجاب می کرد که در رفتار انسانی تغییرات اساسی پدیدآید و **ارتباطات به عنوان یک عامل دگرگونی رفتارها به کار گرفته می شد** و وسایل ارتباط جمعی نیز به مثابه ابزارهای کلیدی توسعه شناخته شدند.

• به همین دلیل، در نخستین الگوها و نظریات ارتباطات توسعه، **وسایل ارتباط جمعی و انتشار پیام، نقش و تأثیر مهمی در فرآیند توسعه داشت.**

نظریات ویلبر شرام، دانیل لرنر و اورت جزء این گونه نظریات تک بعدی و خوشبین قرار دارند.

- این مدل ها ویژگی های دیگری نیز داشتند، از جمله اینکه ، مبتنی بر ایجاد تغییرات فردی و مدرن کردن انسان سنتی روستا بودند.
- در این مدلها آنچه مورد غفلت قرار گرفت، **نقش مخاطب در جریان ارتباط** بود.

• در واقع بر اساس چنین رویکردی، ارتباط یعنی انتشار و با انتشار یکسویه پیام، ارتباط گریه اهداف خود در مورد تغییرات فکری و رفتاری مخاطب خواهد رسید.

از اوایل ۱۹۷۰ به تدریج معلوم شد که وسایل ارتباط جمعی علیرغم سرعت چشمگیرشان در رساندن پیام ارتباطی به مخاطبان، عملاً نتوانستند نقش متناسب با تحولات فرهنگی- اجتماعی در کشورهای در حال توسعه ایفا کنند.

• بر اساس پژوهش‌های انجام شده از اوایل دهه ۱۹۷۰ به این سو که با دیدگاهی انتقادی به کندوکاو پیرامون نقش و جایگاه رسانه‌ها در جهان سوم پرداخته‌اند، رادیو، تلویزیون و ماهواره‌ها توانسته‌اند ارزش‌های جامعه متجدد را به تدریج جایگزین ارزش‌های کهن کنند. اما بر اساس شواهد مندرج در متون مربوطه، توسعه یافتگی یک جامعه فرآیندی درون‌زا است که در چارچوب ارزش‌های نهفته در فرهنگ بومی و شیوه‌های ارتباطی هر منطقه یا منطقه‌ای خاص تحقق‌یافتنی خواهد بود.

# نظریات جدید

- در نظریات جدید، رویکردهای نوینی نسبت به ارتباطات و توسعه طرح شده که، به جای نگاهی تک بعدی، همه جانبه بوده و تمامی جوانب این دو فرآیند را در نظر می گیرد. **در برداشت های جدید، توسعه محدود به رشد نبوده و مسایل انسانی، فرهنگی و اجتماعی نیز مهم تلقی می شوند.**



• طبق این برداشتها، توجه صرف به مسایل مربوط به رشد اعم از افزایش استفاده از تکنولوژی و تلاش برای افزایش تولید ناخالص ملی، به دلیل تک بعدی بودن و عدم توجه به سایر مسایل، به ویژه مسایل فرهنگ و اجتماعی، به ناپایداری و عدم توازن در توسعه خواهد انجامید.

• در حالی که توسعه همه جانبه و پایدار مستلزم برنامه‌هایی است که همه جوانب زندگی انسان، اعم از رشد فنی و اقتصادی، عدالت در توزیع ثروت و قدرت میان اقشار مختلف جامعه، افزایش آگاهی و شعور اجتماعی، تقویت عقل معاش و در مجموع افزایش مشارکت‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.

- در پرتو چنین برداشتی از توسعه، انتقال تکنولوژی به جوامع توسعه نیافته، به تنهایی، نه فقط تغییر مثبتی ایجاد نمی کند، بلکه منجر به اختلالاتی در وضعیت موجود نیز می شود.  
بنابر این توسعه اقتصادی و فنی قبل از هر چیز نیازمند توسعه انسانی است.

# توسعه مبتنی بر اصل انسان

- بر این اساس می توان گفت که، توسعه مبتنی بر اصل انسان، به ابزارهای خاص خود نیازمند است و هرگز نمی توان آن دسته از شیوه های ارتباطی را که در الگوی توسعه فن گرا برای ترویج نوآوری های فنی به کار می رود را مورد استفاده قرار داد.

# فرآیندهای تعاملی و متقابل

- برداشت های جدید از ارتباطات، نقش مخاطب را در فراگرد ارتباط نه تنها کمتر از ارتباط گر نمی بیند بلکه در برخی موارد مهم تر نیز می دانند. در این رویکردها ارتباط به معنای انتشار پیام در فضا نیست بلکه به آن گونه از فرآیندهای تعاملی و متقابل گفته می شود که در بردارنده تفاهم، توافق، اشتراک در معنا و پیوند دهنده اندیشه ها و باورهاست.

- این رویکرد را به اصطلاح «ارتباط مشارکتی» می‌نامیم. در ارتباط مشارکتی، تک صدایی و تک گویی وجود ندارد. این نوع ارتباط یک فراگرد چرخشی است که مبتنی بر یک **«گفتگو به منظور تفاهم»** است. جریان ارتباط در اینجا برای رسیدن به هدف مشترک شکل می‌گیرد، هدفی که دو طرف ارتباط درباره آن اتفاق نظر دارند و با گفت و گو در مورد آن به توافق رسیده‌اند.

# نظریات نسبت به نقش ارتباطات در توسعه

- دیدگاه‌های خوشبینانه درباره نقش ارتباطات در توسعه، همان دیدگاه‌های لیبرالی هستند. از ویژگی‌های این نظریه‌ها، جستجوی موانع توسعه در درون نظام اجتماعی کشورهاست و در تغییرات توسعه بخش، بیش از هر چیزی بر **تحولات فردی** تأکید می‌ورزند. در زمینه ارتباطات، این نظریه‌ها عمدتاً نسبت به اشکال و شیوه‌های سنتی ارتباطات بی‌توجه بوده و وسایل ارتباط جمعی را در کانون ملاحظات خود قرار می‌دهند.

## نظریه پردازان لیبرال

- عمل گراترین نظریه پردازان ارتباطات توسعه در مجموعه نظریه‌های لیبرالی عبارتند از: دانیل لرنر، ویلبر شرام، دبلیو والت روستو، اورت هیگن، دیوید سی‌مک‌کلند و اورت راجرز که آثار این عده طی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از نظریه های حاکم به شمار می رفت.



# الگوی حاکم

- بر اساس الگوی حاکم قرار بود آنچه غرب از راه رشد سرمایه داری طی چند قرن بدست آورده است، جهان سومی ها ظرف چند دهه با کمک رسانه های جمعی به دست آورند. لرنر معتقد بود که رادیو به عنوان نمونه ای از وسایل ارتباط جمعی در خاورمیانه به قرن ها انزوا و در عین حال رکود این کشورها پایان داده و چشم انداز روشنی از آینده به آنها نشان داده است.

• لرنر در تأیید نظریه خویش اعلام کرد :  
روستائینی که در کنار رادیو جمع می‌شدند ،  
می‌توانستند آگاهی‌های زیادی در مورد  
تکنیک‌های نوین کشاورزی، شیوه‌های  
کاهش خطر بیماری‌ها و حتی موضوعات  
سیاسی بدست آورند.

# نظریه نوسازی

- نظریه نوسازی معتقد است که ورود به جامعه نوین مستلزم مساعدت ملی یکپارچه، ارتباط با بازارهای ملی و بین المللی، ایجاد انگیزه برای تقاضای کالاها و خدمات مدرن و گسترش روش‌ها و ارزش‌های نوین در زمینه‌هایی چون تغذیه، تنظیم خانواده، بهداشت، تولید کشاورزی و صنعتی در زندگی شهری و روستایی است.

• برای تحقق این هدف، تحرک روانی در سطح فردی و اجتماعی ضروری است و رسانه ها مناسب ترین و موثرترین ابزار تغییر نگرش ها، ارزش ها و رفتارها و به بیان دیگر، ایجاد تحرک فردی و اجتماعی هستند.

# تحول در دیدگاهها و استراتژی های توسعه

## • رویکرد دولت بزرگ :

پس از پایان جنگ جهانی دوم ، رویکرد دولت بزرگ به منزله رویکرد مسلط ، با هدف سیاستگذاری توسعه در اکثر کشورها ، تا سال های پایانی 1970 ، یکه تازی می کرد. این جریان از یک طرف همزمان با بازسازی خرابی های جنگ در اروپا بود و از طرف دیگر تجربه بحران بزرگ 1929 را پشت سر داشت.

• لذا اکثر اقتصاددانان و سیاستگذاران اعتقاد به دولت بزرگی داشتند که امور اقتصادی را همچون امور سیاسی در دست بگیرد و به منزله ی يك نهاد قدرتمند ، شکستهای بازار را جبران کند. هر چند این تمهید در سطحی وسیع با مقبولیت مواجه شد ، اما بدون مخالف نیز نبود.

- کشورهای در حال توسعه نیز با الگو برداری از کشورهای توسعه یافته و با همان استدلالهای موجود و ناتوانی و ضعف بخش خصوصی در بسیج سرمایه ، **رویکرد دولت بزرگ** را بر اساس راهنمایی مشاوران و اقتصاد دانان کینزی در غرب به اجرا گذاشتند. این دوره را اگر به عنوان اولین دوره سیاستگذاری توسعه اقتصادی معرفی کنیم ، تا اواخر دهه 1970 ادامه یافت.

- اما عدم کارایی و انعطاف ناپذیری بنگاه‌های دولتی (بیشتر در کشورهای در حال توسعه) که در معرض انواع فشارهای سیاسی و غیر سیاسی بودند، از جمله تراکم نیروی کار در این بنگاه‌ها و ایجاد بازدهی نزولی، اکثر آنها را با زیان مواجه کرد. بدین سان بود که از میانه دهه 70 رویکرد دولت بزرگ رفته رفته رو به افول گذاشت.



• آنچه پیش از پیش این جریان را به باد انتقاد گرفت ، وجود همزمان تورم و بیکاری (Stagflation) در اقتصادهای غربی، خاصه آمریکا بود و مجالی فراهم شد برای جریانی که طرفدار اقتصاد بازار و رویکرد دولت کوچک بود.

# رویکرد دولت کوچک

- رویکرد دولت کوچک (از ابتدای دهه 1980 تا اواخر دهه 1990). این جریان به عنوان جریانی غالب در ابتدای دهه 80 ، خصوصی سازی را کمال مطلوب برای توسعه دانست و خواهان کاهش سهم بخش دولتی در اقتصاد شد . ایده خصوصی سازی با کوچک کردن دولت در ابتدا به آرامی آغاز شد ، اما در اوایل دهه 90 ، با فروپاشی نظام کمونیستی در کشورهای شوروی و اروپای شرقی به شدت رواج یافت و بسیاری از کشورهای آفریقایی ، آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی را دربرگرفت .

# سیاست‌های اجماع واشنگتنی

- دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار – که با کمک بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول سیاست‌های توسعه را به اکثر کشورهای جهان تجویز می‌کردند – تحت عنوان **سیاست‌های اجماع واشنگتنی (Washington consensus)** و یا **سیاست‌های تعدیل ساختاری** نامیده شد. آنها ده اصل را به عنوان اصول تعدیل ساختاری برای اصلاحات اقتصادی معرفی کردند.

# اصول ده گانه

- اصول ده گانه عبارت بودند از: کنترل کسري بودجه ، هدفمند کردن يارانه ها ، اصلاح نظام مالياتي ، آزاد سازي نرخ بهره ، نرخ ارز رقابتي ، آزاد سازي تجاري ، خصوصي سازي ، مقررات زدائي ، آزاد سازي سرمايه گذاري مستقيم خارجي و احترام به حقوق مالکيت .

• آنها معتقد بودند که این اصول، بهترین نتایج را به بار می آورند و قیمت های بازار از طریق مکانیسم های عرضه و تقاضا بهترین جایگزین برای تخصیص دولتی منابع اند.

- اما حوادث پایانی دهه 90 ، همچون بحران شرق آسیا ، تجربه ناموفق کشورهای اروپایی شرقی و شوروی سابق و بحران های متعدد مالی در طول 25 سال پیش از آن طیف گسترده ای از کارشناسان بانک جهانی بیش از همه ، جوزف استیگلیتز ، اقتصاد دان ارشد و معاون سابق بانک جهانی بر عدم کارایی سیاست تعدیل و انتخاب چهار چوب تازه ی سیاستگذاری اصرار ورزیدند.

## اجماع پسا واشنگتن

- استیگلیتز، سیاست اجماع واشنگتنی را نقد کرد و ضرورت اتخاذ اجماع پسا واشنگتنی ( Post Washington consensus) را به عنوان يك راهبرد جدید سیاستگذاری مطرح ساخت. نباید فراموش کرد که انتقاد از این سیاستها به کارشناسان بانک جهانی محدود نشد، بلکه بسیاری از اقتصاددانان و از جمله اقتصاد دانان نهادگرا مانند داگلاس نورث نیز از ابتدای دهه 90 منتقد سیاستهای تعدیل بودند.

# سیاست حکمرانی خوب

مقبولیت نسبی انتقادهای پذیرش دیدگاههای رقیب، سیاستهای تعدیل ساختاری، نهادهای بین المللی پولی و مالی مانند بانک جهانی، برنامه ی عمران سازمان ملل و تا حدودی صندوق بین المللی پول را واداشت تا سیاست «حکمرانی خوب» (Good governance) را به عنوان راهگشای معماری توسعه مطرح کنند.



• در این سیاست جدید مسئله ی ابعاد دولت (کوچک سازی) نقش محوری خود را به توانمند سازی دولت داده است. گرچه اقتصاد بازار کماکان هدف نهایی است ، اما شیوه ی گذار به اقتصاد بازار با سیاستهای تعدیل ساختاری متفاوت است.

- حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت کنندگان اطلاق می شود. بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل «حکمرانی خوب» ، مدیریت امور عمومی است بر اساس حاکمیت قانون ، دستگاه قضایی کار آمد و عادلانه و مشارکت گسترده ی مردم در فرایند حکومت داری .

(میدری ، 1383 : 94)

بانك جهاني حكمراني خوب را بر اساس شش ويژگي  
يا شاخص تعريف مي كند

**1. حق اعتراض و پاسخگويي ( Voice and Accountability )** ؛ مفهوم اين  
شاخص ، تغيير منظم دولتها ، نظام حقيقي  
شفاف و عادلانه ، توزيع برابر فرصتها ،  
ميزان آگاهي صاحبان كسب و كار و تغيير  
و بازمهندسي در قوانين و رويه ها است .

## 2. ثبات سياسي و عدم خشونت ( Political )

؛ این (and Violence instability)

شاخص عبارت است از میزان آشوبهای شهری ، کودتا ، ترور و اعدامهای سیاسی ، ناآرامیهای اجتماعی ، تنشهای قومی ، تدابیر قهری برای حفظ قدرت ، قطبی شدن طیفهای سیاسی ، نزاعهای اجتماعی و اعتصابها .

### 3. بار مقررات (Regulatory Burden) ؛ این

شاخص درباره ی مواردی چون میزان مداخله ی دولت در اقتصاد ، نحوه ی کنترل قیمتها و دستمزدها ، میزان و کیفیت موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای ، گستره ی مداخله دولت در نظام مالی ، حجم مقررات دست و پاگیر صادرات و واردات ، میزان اثر بخشی سیاستهای ضد انحصار و سایر مقررات اضافی قابل ذکر است.

**4. حاکمیت قانون (Rule of law) ؛ شاخص فوق**  
با گزینه هایی چون هزینه های تحمیل شده به دولتها  
به واسطه ی جرم و جنایت در جامعه ، کیفیت  
اجرایی قراردادهای خصوصی و دولتی ، میزان  
اعتماد مردم به مسئولان در حفظ داراییها و میزان  
ثروت آنها ، ظرفیت بخش خصوصی در اقامه ی  
دعوی علیه حکومت ، میزان اعتماد بخش خصوصی  
به نظام قضایی و سرانجام کارایی نیروهای امنیتی  
در ایجاد امنیت برای شهروندان قابل اندازه گیری  
است.

## 5. مبارزه با فساد (Corruption) ؛

این شاخص نیز میزان فساد در میان مقامات رسمی ، شیوع فساد در نظام سیاسی به منزله ی تهدید علیه سرمایه گذاری خارجی ، تأثیر فساد بر جذابیت کشور برای فعالیت اقتصادی ، فراوانی فساد در میان مقامات عمومی و شیوع پرداخت رشوه برای اخذ مجوزهای اقتصادی را اندازه می گیرد.

## 6. اثر بخشی دولت (Governance Effectiveness)

آخرین شاخص نیز مفاهیمی چون سیاستگذاری به نفع کسب و کار ، کارایی نهادهای دولتی ، کیفیت کارکنان دولت ، توانایی دولت در اجرای برنامه های خود ، استقلال استخدام و خدمات کشوری از فشارهای سیاسی و غیره را در بر می گیرد.

(هفته نامه برنامه ریزی کشور ، 1383 : 12)



- پس، در این تعریف هر قدر ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون ، پاسخگویی و اثربخشی دولت در يك جامعه بیشتر و فساد ، مقررات اضافي ، بي ثباتي سياسي و خشونت کمتر باشد ، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه اقتصادی مناسبتر خواهد بود.

# توسعه روستایی

- بانک جهانی ، توسعه روستایی را چنین تعریف می کند :  
توسعه ی روستایی ، نوعی استراتژی است که برای بهبود زندگی اقتصادی – اجتماعی گروه مشخصی از مردم ، یعنی **روستائیان فقیر** ، طراحی می شود.  
این استراتژی در پی گسترش دادن منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش هستند انجام می پذیرد.

فقراي روستايي شامل کشاورزان خرده پا ،  
اجاره نشين ها و خوش نشين ها مي شود .  
مسأله مهم در توسعه ي روستايي ، توسعه ي  
همه جانبه است .

اهداف برنامه ريزي در بعضي و يا همه  
صفات مرتبط با هم پيشنهاد مي گردد :

(كرامت الله زياري ، به نقل از : ديويد ، ام لي و پي  
جوردي ، 1370 : 57).

1. به منظور بهبود معیارهای زندگی و یا بهزیستی توده مردم و نیازهای اساسی آنها ، همچون غذا ، مسکن ، پوشاک و اشتغال.

2. بالا بردن میزان بهره دهی مناطق روستایی و کاستن از آسیب پذیری در قبال خطرات طبیعی ، فقر و استثمار در این مناطق و برخوردار ساختن این مناطق از يك رابطه منفعت آمیز متقابل با بخشهای دیگر اقتصاد منطقه ای ، ملی و بین المللی.

3. توجه به توسعه ی خودگردان

4. توجه به عدم تمرکز اداری

# عوامل مؤثر بر توسعه روستایی

- سیاست ارضی ؛ سیاست تکنولوژیکی ؛ سیاست اشتغال ؛ سیاست های آموزشی ، تحقیقاتی و ترویجی ؛ سیاست مؤسسات روستایی ؛ سیاست صنعتی کردن روستا ؛ سیاست قیمت گذاری ؛ سیاست حلقه ای ارتباط با دیگر بخشهای اقتصادی ؛ سیاست حمایتی ؛ سیاست های توجه به توسعه ی هماهنگ

- توسعه ي روستايي حوزه اي بسيار وسيع و متنوع است ، اما به طور كلي مي توان آن را در پنج بخش زير خلاصه كرد:
- 1. مديريت منابع طبيعي 2. امور زيربنايي .
- 3. مديريت منابع انساني 4. توسعه كشاورزي
- 5. توسعه ي فعاليتهاي غير كشاورزي .

- در کوبا و چین ، بعد از انقلابهایی که در کشورشان صورت گرفت طرح هایی اجرا شده طرح هایی با عنوان **موج گیر** که روستا- شهرهایی ساختند که می توانست به عنوان پایگاههایی، جمعیتهاي متفرق روستاهاي اطراف را جذب کند و مانع از آمدن آنها به شهرهاي بزرگ ، از جمله پایتخت کشور شود.

- در ایران شصت و هشت هزار آبادی مسکونی داریم و این جدا از 127 هزار نقطه مسکونی است که ممکن است در آن یک قهوه خانه باشد ، یک تعمیرگاه باشد ، تعویض روغنی باشد. از این شصت و هشت هزار روستا در حدود بیست و دو هزار روستا کمتر از 20 خانوار جمعیت دارند و سرمایه گذاریهای فیزیکی در این مناطق با هیچ منطق اقتصادی جور در نمی آید.



• در کشورهای پیشرفته، آنها می خواهند تحت عنوان توسعه روستایی، تکنولوژی را وارد روستا بکنند و محیط روستا را آماده کنند برای یک حرکت خودبخودی که الان چندین دهه است در جوامع پیشرفته ی غربی آغاز شده است و آن **مهاجرت معکوس از شهر به روستا** است.

- ما در جهان سوم باید يك دلالت ديگر از توسعه روستايي داشته باشيم و آن اين است كه از طريق توسعه روستايي بايد شرايطي را فراهم كنيم كه **روستائيان كمتر به شهرها هجوم بياورند** . چون هجوم روستائيان به شهرها عملا تمام دستاوردها در خصوص توسعه ملي و حرکتهای نوسازی جامعه را خنثی می کند.

• اگر بخواهیم در شهرهای بزرگ کشورمان با مسئله آسیبهای اجتماعی ، با مسئله فقر ، فحشا ، تکدی گری ، کودکان خیابانی ، اعتیاد و ...مقابله کنیم باید جلوی هجوم روستاییان به شهرها را بگیریم.

- بنابراین ما توسعه ی روستایی را می خواهیم، برای اینکه از نقش منفی که روستاها می توانند در فرآیند توسعه ملی ایفا کنند ممانعت کنیم.

- رسانه ها در این میان نقش مهمی بر عهده دارند.

- توسعه سه مؤلفه اصلي بايد در خودش داشته باشد. يکي توانمند سازي است، يکي دموکراسي مشارکتي و ديگري هم سرمايه اجتماعي.

- مشکلي که جهان سوم دارد اين است که نظامهاي توتاليتري در اغلب اين کشورها وجود دارد که نقد قدرت در آن امکان پذير نيست . جايي که شما نتوانيد قدرت را نقد کنيد ، آن وقت نمي توانيد بگوييد اعتباراتي که براي پروژه هاي توسعه تخصیص پيدا مي کند ، چگونه صرف مي شود

- این يك مشكل جهاني بوده و در تمام سالهاي بعد از جنگ جهاني دوم از دهه پنجاه اين مسئله وجود داشته است. يعني دولتها حتي كمكهاي بين المللي را هم به شكل خاصي مي برند و مصرف مي كنند. نمونه اخير آن كمكهايي بود كه به کشور عراق در سال های گذشته صورت گرفت.

# جمع بندی

- در هر حال نظریه های توسعه و نوسازی معتقد است که ورود به جامعه نوین مستلزم **مساعدت ملی**، یکپارچه، ارتباط با بازارهای ملی و بین المللی، ایجاد انگیزه برای تقاضای کالاها و خدمات مدرن، حرکت درآوردن منابع توسعه و گسترش روشها و ارزشهای نوین در زمینه‌هایی چون **تغذیه، تنظیم خانواده، بهداشت، تولید کشاورزی و صنعتی در زندگی شهری و روستایی** است.